

موعظی خشم خدا

استیون لاوسن

جان کالون، اصلاح‌گر اهل ژنو گفت، «موعظه، شرح و بیان عمومی کلام خدا توسط مردانی‌ست که از سوی خدا فرستاده شده‌اند، که در آن خود خدا با داوری و فیض حضور دارد.» خدمت صادقانه‌ی منبر، مستلزم اعلام توأمان داوری و فیض است. کلام خدا شمشیر تیز دو لبه‌ای است که نرم می‌کند و سخت می‌سازد؛ تسلی می‌دهد و می‌آزارد؛ نجات می‌بخشد و ملعون می‌کند.

موعظه‌ی خشم الاهی مانند پرده‌ی مخملین سیاهی است که باعث می‌شود الماس رحمت خدا از ده هزار خورشید درخشنده‌تر شود. روی بوم تیره‌ی خشم الاهی است که شکوه و جلال فیض نجات‌بخش او به طور کامل پرتو افکن می‌شود. موعظه‌ی خشم خدا درخشان‌ترین رحمت بخشنده‌ی او به گناهکاران را نشان می‌دهد.

مانند جارچیانی که بر دیوار قصر از نزدیک شدن یک مصیبت خبر می‌دهند، واعظان باید پند کامل خدا را اعلام کنند. آنانی که پشت منبر می‌ایستند، باید تمام حقیقت در کتاب مقدس را موعظه کنند که هم شامل خشم مقتدر و هم محبت اعلای خداوند می‌شود. آنها نمی‌توانند آنچه می‌خواهند موعظه شود را گلچین کنند. پرداختن به خشم خدا برای یک واعظ صادق، هرگز انتخابی نیست - یک ضرورت الاهی است.

به نحوی غم‌انگیز، موعظه‌ای که به داوری قریب‌الوقوع خدا بپردازد، در بسیاری منابر معاصر غایب است. واعظان اگر درباره‌ی خشم خدا کاملاً سکوت نکرده باشند، در بهترین حالت، درباره‌ی موضوع خشم خدا تبدیل به پوزش‌طلبان شده‌اند. بسیاری اینطور استدلال می‌کنند که واعظان برای بزرگ‌نمایی محبت خدا، باید از خشم او کمتر صحبت کنند. اما حذف خشم خدا، محبت شگفت‌انگیز او را مبهم می‌کند. عجیب نیست که بگوییم امتناع از اعلام انتقام الاهی، بی‌رحمی است.

چرا موعظه‌ی خشم الاهی چنین ضرورت دارد؟ نخست، شخصیت مقدس خدا آن را ایجاب می‌کند. بخشی بنیادین از کمال اخلاقی خدا، تنفر او از گناه است. ای. دابلیو. پینک اظهار کرد: «خشم خدا، قدوسیت اوست که علیه گناه فعال می‌شود.» خدا، «آتش فرو برنده» است (عبرانیان ۱۲: ۲۹) که نسبت به گناهکاران «هر روزه خشمناک می‌شود» (مزمور ۷: ۱۱). خدا «دشمن شرارت» است (مزمور ۴۵: ۷) و نسبت به تمام آنچه که در تضاد با شخصیت عالی اوست، خشمناک است. بنابراین، او گناهکاران را در روز داوری «هلاک» (مزمور ۵: ۶) خواهد کرد.

هر واعظی باید خشم خدا را اعلام کند، وگرنه قدوسیت، محبت، و عدالت او را به حاشیه رانده است. از آنجا که خدا قدوس است، از هر گناهی جدا و کاملاً مخالف همه‌ی گناهکاران است. از آنجا که خدا محبت است، از پاکی شاد می‌شود و بنا بر ضرورت، از هر چیز غیر مقدسی، متنفر است. چون خدا عادل است، باید گناهی که باعث هتک حرمت او می‌شود را مجازات کند.

دوم، خدمت انبیا آن را ایجاب می‌کند. انبیای قدیم بارها به شنوندگان خود اعلام کردند که به خاطر شرارت مداوم‌شان، خشم خدا را برای خود می‌اندوزند (ارمیا ۴: ۴). در عهد عتیق، بیش از بیست کلمه برای توضیح خشم خدا استفاده شده، و در مجموع، این کلمات در اشکال گوناگون خود ۵۸۰ بار استفاده شده‌اند. بارها و بارها انبیا با تصاویرسازی واضحی برای توصیف خشم خدا که بر گناهکاران خواهد ریخت صحبت کردند. یحیای تعمید دهنده – آخرین نبی – از «غضب آینده» صحبت کرد (متی ۳: ۷). از موسی تا نداکننده‌ی پیش از مسیح، همیشه کوششی برای هشدار درباره‌ی خشم تغییرناپذیر الاهی که در انتظار بشر بوده، وجود داشته است.

سوم، موعظه‌ی مسیح آن را ایجاب می‌کند. جالب است که عیسی بیش از هر فرد دیگری در کتاب مقدس درباره‌ی خشم الاهی حرف برای گفتن داشت. خداوند ما بیش از آنکه درباره‌ی محبت خدا صحبت کند، درباره‌ی خشم او صحبت کرد. عیسی درباره‌ی «آتش جهنم» هشدار داد (متی ۵: ۲۲) و «هلاکت» (۷: ۱۳) که در آنجا «گریه و فشار دندان» وجود دارد (۸: ۱۲). به بیان ساده، عیسی واعظ آتش جهنم و لعنت بود. مردانی که پشت منبر می‌ایستند با پیروی از نمونه‌ی مسیح در موعظه‌شان، کار خوبی می‌کنند. چهارم، جلال صلیب آن را ایجاب می‌کند. عیسی خشم خدا را برای تمام آنانی که نام او را بخوانند متحمل شد. اگر خشم الاهی وجود نداشته باشد، نیازی به صلیب نیز وجود ندارد، و البته به نجات جان‌های گمشده. گناهکاران از چه چیزی باید نجات پیدا کنند؟ تنها، زمانی که ما حقیقت خشم خدا علیه مستحقین داوری را درک کنیم صلیب برای مان خبری پر جلال خواهد بود. منبرهای بسیاری امروزه به خدمت صلیب‌محور خود می‌بالند اما به ندرت – اگر هرگز – خشم الاهی را موعظه می‌کنند. این، هتک حرمت صلیب است.

پنجم، تعلیم رسولان آن را ایجاب می‌کند. آنانی که مستقیماً از سوی مسیح ماموریت یافتند، می‌بایست تمام فرامین او را اعلام کنند (متی ۲۸: ۲۰). این موضوع، اعلام خشم عادلانه‌ی خدا نسبت به گناهکاران را ناگزیر می‌ساخت. پولس رسول به بی‌ایمانان درباره‌ی خدایی هشدار می‌دهد که «غضب می‌نماید» (رومیان ۳: ۵) و اعلام می‌کند که تنها عیسی می‌تواند «ما را از غضب آینده» برهاند (اول تسالونیکیان ۱: ۱۰). پطرس درباره‌ی «روز داوری و هلاکت مردم بی‌دین» می‌نویسد (دوم پطرس ۳: ۷). یهودا به «آتش ابدی»

اشاره می‌کند (یهودا ۷). یوحنا «غضب بره» را توصیف می‌کند (مکاشفه ۶: ۱۶). واضح است که نویسندگان عهد جدید لزوم موعظه‌ی خشم خدا را تشخیص داده بودند.

واعظان نباید از اعلام خشم عادلانه‌ی خدا علیه گناهکاران مستحق جهنم شانه خالی کنند. خدا روزی را قرار داده است که در آن، جهان را به عدالت داوری خواهد کرد (اعمال ۱۷: ۳۱). سایه‌ی آن روز در افق پیداست. مانند انبیا و رسولان، و حتی خود مسیح، ما نیز باید به بی‌ایمانان درباره‌ی فرا رسیدن این روز وحشتناک هشدار دهیم و آنان را وادار کنیم تا به سوی مسیح بروند؛ کسی که تنها او قادر به نجات بخشیدن است.

دکتر استیون جی. لاوسون، رییس و بنیانگذار سازمان OnePassion Ministries و یکی از معلمین همکار در سازمان خدمات لیگونیر هستند. ایشان نویسنده‌ی کتاب‌های بسیاری از قبیل *Foundations of Grace and The Passionate Preaching of Martyn Lloyd-Jones* می‌باشند.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک \(Tabletalk\)](#) منتشر شده است.